

داعش در افغانستان جانشین طالبان می شود؟

محمداکرام اندیشمند

طالبان با ارسال نامه به خلیفه داعش (26 جوزای 1394 برابر به 16 جون 2015) در واقع ترس و نگرانی خود را از تصاحب قلمرو اعتقادی و جغرافیایی خویش توسط داعش ابراز کردند. این نامه نوعی از دهن کجی همراه با عذرخواهی بود تا برای خلیفه موصل و مجاهدانش اطمینان بدهند که آنها در افغانستان همان کاری را می کنند که داعش انجام می دهد. هر چند برخی از رسانه های خبری و تحلیل گران از هوشدار طالبان به داعش در این نامه خبر دادند، اما واقعیت آن است که پیام و محتوای اصلی نامه نه بر مبنای تهدید که بر پایه اعتذار و اطمینان قرار دارد.

در حالی که چهارماه پیش از این نامه (25 جنوری 2015)، ابوبکر بغدادی خلیفه داعش، ملاعمر رهبر طالبان را یک جنگجوی بی سواد و نادان و فاقد اعتبار و ارزش روحانیت و سیاست خواند. سپس ابومحمد العدنانی سخنگوی خلیفه داعش طی پیام ویدیویی از تشکیل ولایت خراسان در بخش هایی از افغانستان و پاکستان به عنوان بخشی از منطقه داعش و اعلان بیعت به ابوبکر البغدادی سخن گفت. اما طالبان در نامه خود که از نام ملاخترمحمد منصور سرپرست شورای رهبری و نایب امارت اسلامی یا معاون ملاعمر نگاشت شده است، با لحن بسیار محترمانه در برابر دولت اسلامی (داعش) سخن گفته اند. از داعش در این نامه به عنوان مجاهدین تقاضا می شود که با طالبان همکاری کنند. در نامه، نیاز به وحدت صفوف مجاهدین در جهاد با دنیای کفر تاکید می شود و طالبان به عنوان ممثل ومصدق این وحدت معرفی می گردند که گویا علیه کافران و امریکا جهاد می کنند. صرف نظر از اینکه واکنش و پاسخ خلافت دولت اسلامی (داعش) در برابر امارت دولت اسلامی (تحریک طالبان افغانستان) چه خواهد بود، نکته مهم به احساس خطر از سوی طالبان بر می گردد که ممکن است داعش جای آنها را در هر دو قلمرو آیدئولوژی و جغرافیا بگیرد.

اما پرسش اصلی این است که آیا پاکستان و حامیان پشت سر طالبان از عربستان سعودی تا جمهوری اسلامی ایران علی رغم رقابت و خصومت میان هم، داعش را در پروژه تعویض طالبان همراهی خواهند کرد؟ به ویژه، پاکستان این زمینه را برای داعش مساعد می کند تا داعش جای طالبان را در افغانستان بگیرد؟ زیرا بدون نقش و دخالت پاکستان، سلطنت عربستان سعودی و جمهوری ولایت فقیه ایران در افغانستان، آتش جهاد و مجاهدین از نوع طالب و داعش، روشنی و شعله ای نخواهد داشت. این سازمان استخبارات نظامی پاکستان (ISI)، سازمان های استخبارات عربستان و ایران است که آتش جنگ طالبان را ظاهراً به نام جهاد و در واقع در جهت اهداف و منافع خود شعله ور نگهداشته اند. گذاشتن نقطه پایان به این نقش و دخالت، گذاشتن نقطه پایان به آن جهاد و جهاد گری و خاکستر شدن آتشی است که ملاختر منصور در نامه خود به خلیفه داعش از آن سخن دارد.

اگر سناریو و پروژه تعویض طالبان با داعش در افغانستان مد نظر باشد، بدون تردید پاکستان این پروژه را در طرح مشترک با دوستان و متحدان غربی و عرب خود تطبیق می کند. شاید طالبان زیگنال هایی را در مورد چنین پروژه ای دریافت کرده باشند که دست به دامن خلیفه المسلمین داعش شدند. و اگر این سناریو و چنین پروژه ای در دست طرح و اجرا باشد، نقطه مسلم آن است که پاکستان طالبان را به عنوان بخشی از ابزار منافع و اهداف خود در افغانستان حفظ خواهند کرد و داعش برای اهداف فرامنطقوی بازیگران کلانتر در بخشی از جغرافیای افغانستان جای طالبان را می گیرد.

نکته اصلی قابل پرسش به سیاست و عملکرد دولت افغانستان بر می گردد که آیا دولت توانایی آن را دارد که با پاکستان و سایر بازیگران منطقه ای و بین المللی این سناریو و پروژه به تفاهم و توافق برسد و کشور را در مسیر ثبات قرار دهد؟